

## بررسی سیر نظام تعلیمی سنتی و مدرن در اُرزگان خاص

غلامرضا حسینی \*

### چکیده

تعلیم و تربیت از دیرباز در میان جوامع بشری موقعیت ممتاز داشته است. ارزش و اعتبار یک کشور در گرو نظام تعلیمی مطلوب در آن است. در سایه تعلیم و تربیت در رفتار مادی و معنوی انسان‌ها تغییرات ایجاد می‌شود و به سوی پیشرفت قدم برمی‌دارند. هدف از این پژوهش بررسی نظام تعلیمی سنتی و مدرن در اُرزگان خاص است که هم‌زمان با روش کتابخانه‌ای-میدانی صورت گرفته است. در نتایج این پژوهش نشان داده شده است که نظام تعلیمی در اُرزگان خاص مانند بقیه مناطق افغانستان در بخش مکاتب دولتی تا قبل از دوره‌ی امان‌الله خان سنتی بوده است و در زمان حکومت او در سال ۱۲۹۹ش و در حکومت نادرخان در سال ۱۳۰۸ش تعلیمات مدرن آغاز و اجباری می‌شود؛ اما فعالیت مشهود این مکاتب در مرکز اُرزگان خاص از سال ۱۳۳۰ به صورت ابتدایی آغاز می‌شود. اوج فعالیت این مکاتب در مرکز و روستاهای اطراف در دو دهه چهل و پنجاه تا انقلاب کمونیستی بوده است و با شروع آن، این مکاتب تعطیل می‌شود. در دوره‌ی حکومت کرزی، مکاتب کلاسیک و دولتی رونق می‌گیرند و بر تعداد آن‌ها تا سطح لیسه افزوده می‌شود. مکاتب و مدارس دینی در اُرزگان خاص تا قبل از دهه‌ی سی، به صورت رسمی وجود نداشته است؛ تعلیمات دینی در خانه‌ها، مکتب‌خانه‌ها و مساجد انجام می‌گرفت. اولین مدرسه‌ی علمیه‌ی شیعی در سطح ولایت اُرزگان، در اوایل دهه‌ی چهل در باغچار توسط مرحوم ملا خدائظر آخوند تأسیس شده است. با برگشت عالمان جدید اُرزگان از حوزه‌های علمیه نجف، قم و مشهد در منطقه، نظام تعلیمات دینی در اُرزگان خاص، توسعه و رونق بیشتری پیدا می‌کند. **واژگان کلیدی:** نظام تعلیمی، سنتی، مدرن، اُرزگان خاص، مکاتب دینی، مکاتب دولتی، مکتب‌خانه.

---

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشپژوه دکتری قرآن و علوم با گرایش تربیتی grhasani54@gmail.com

## ۱- مقدمه

تعلیم و تربیت نقش مهمی در جامعه دارد. اداره‌ی جامعه، پیشرفت و ترقی آن در سایه‌ی تعلیم و تربیت صحیح و مطلوب میسر است. جامعه‌ی بشری با علم و دانش به ترقی، تعالی و پیشرفت‌های مادی و معنوی می‌رسد. عقل انسان در سایه فراگیری علم و دانش پرورش می‌یابد. به همین جهت، در اسلام توجه زیاد به امر تعلیم و تربیت شده است. خداوند با خلقت انسان، وجود او را با زیور علم و معرفت آراست و با آموزش اسما، او را بر ملائکه برتری و فضیلت داد و در نخستین آیاتی از سوره علق که بر قلب پیامبرش نازل کرد، ارزش علم و معرفت را بیان نمود و بر بشریت چنین منت نهاد که در میان تمام موجودات، وجود او را با علم و معرفت ممتاز ساخته است. در اهمیت تعلیم و تربیت همین بس است که از اهداف اصلی بعثت پیامبر اسلام تعلیم و تربیت شمرده شده است (جمعه/۲).

هدف از این نوشتار بررسی نظام تعلیمی سنتی و مدرن در ارزش‌گان خاص است که با روش کتابخانه‌ای-میدانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است که بعد از مفهوم‌شناسی، پیشینه‌ای نظام تعلیمی در افغانستان بررسی شده و آنگاه به نظام تعلیمی در ارزش‌گان در دو بخش مکاتب دولتی و مدارس دینی پرداخته می‌شود؛ اما قبل از پرداختن به آن، ذکر چند نکته لازم و ضروری به نظر می‌رسد:

یک: با توجه به شرایط فعلی که در افغانستان وجود دارد، و محدودیت زمانی و مکانی که نگارنده با آن مواجه بوده، دسترسی به منابعی (کتبی و مصاحبه با افراد) که نظام تعلیمی مناطق پشتون‌نشین در ارزش‌گان خاص را مورد بررسی قرار بدهد، برای نگارنده امکان نداشت. از این رو، این پژوهش تنها به بررسی نظام تعلیمی سنتی و مدرن در مناطق شیعه‌نشین ارزش‌گان خاص پرداخته و آن را مورد بررسی قرار داده است.

دو: هدف از این نوشتار، صرفاً بررسی و تحلیل نظام تعلیمی سنتی و مدرن

در اُرزگان خاص است؛ طبعاً وارد مباحث جزئی در مورد نظام تعلیمی در منطقه‌ی خاصی از اُرزگان نخواهد شد، بلکه برخی موارد از نظام سنتی و مدرن به عنوان نمونه گاهی توضیح بیشتری داده شده است؛ زیرا پرداختن به جزئیات این گونه مباحث مجال جداگانه‌ای می‌طلبد.

سه: از آن‌جا که در مورد نظام تعلیمی در اُرزگان خاص، منابع و مستندات کتبی و مدون وجود ندارد (اگر داشته باشد در دسترس نیست)، در این نوشتار بیشتر از اطلاعات افراد خبره و موثق منطقه، که یا خودش شخصاً شاهد ماجرا در منطقه بوده است و یا از پیشینیان دریافت کرده‌اند، استفاده شده است.

## ۲- مفهوم شناسی

### ۲-۱- نظام

آن‌چه از بررسی اکثر کتاب‌های معتبر لغت عربی به دست می‌آید، نظام در لغت به معنای انضمام و همراه کردن چند چیز به یکدیگر است و مثال مشترکی که بیشتر این کتاب‌ها آورده‌اند به این صورت است که وقتی دانه‌های تسبیح و یا مروارید و یا هر چیزی با ماهیت این گونه به رشته درمی‌آیند و با یکدیگر همراه می‌شوند، به این کار «انتظام» و به خروجی‌ای که از این عمل به دست می‌آید «نظام» می‌گویند (فراهیدی؛ ابن منظور؛ جوهری). در واژه‌نامه‌ی انگلیسی معادل انگلیسی آن System سیستم است که به معنای مجموعه‌ای از اجزاء مرتبط به هم می‌باشند که باهم به دنبال یک هدف خاص هستند (لانگمن، واژه System)

در کتب لغت فارسی، نظام به معنای نظم، ترتیب و آراستگی آمده است (عمید؛ مشیری). اما نظام در اصطلاح عبارت است از: مجموعه‌ای از اجزاء و عناصر پیوسته و درهم‌تنیده که با یکدیگر تعامل مثبت و منفی دارند و کلیت تازه‌ای به وجود می‌آورند و هدف خاصی را دنبال می‌کنند (زاهدی، ۱۳۸۱: ۷).

## ۲-۲- تعلیمی

واژه‌ی تعلیمی در لغت عرب، صفت نسبی منسوب به تعلیم است. تعلیم مصدر باب تفعیل به معنی آموزش دادن، آموختن، آموزانیدن آمده است. معادل آن در فارسی، آموزشی منسوب به آموزش است (عمید، انوری و دهخدا، ذیل واژه آموزش) و در انگلیسی معادل آن Didactic است. نظام تعلیمی، یعنی نظامی که هدف اصلی آن آموزش است.

در اصطلاح فعالیت‌های تعلیمی به مجموعه تدابیر و تلاش‌های نظام‌دار و هدف‌مند اطلاق می‌گردد که برای کمک به ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرندگان انجام می‌شوند تا بتوانند آنان را در سازگاری با محیط زندگی کمک نمایند (سبحانی نژاد: ۱۳۹۰، ۴۷). اینک، نظام تعلیمی به دو گونه‌ی سنتی و مدرن تقسیم می‌گردد:

سنتی: سنتی معادل Traditional انگلیسی به معنای قدیمی است. مدرن: برگرفته از واژه Modern انگلیسی به معنای جدید، کلاسیک، نو و تازه، (مشیری، ۱۳۷۴: ۹۷۷؛ انوری؛ عمید) و چیزی که تازه به وجود آمده، اخیراً رشد و توسعه یافته و از طرح‌ها و یا روش‌های جدید بهره می‌گیرد (لانگمن، واژه Modern).

## ۲-۳- نظام تعلیمی سنتی

نظام تعلیمی سنتی، نظامی است ساده، بدون تشریفات که با کمترین هزینه و با ابزار و وسایل اولیه آموزشی برگزار می‌شود. این نوع از تعلیمات در گذشته در خانه‌ها، مساجد و مکان‌های مذهبی توسط افراد باسواد مانند ملا و مولوی محل و... انجام می‌گرفت؛ اما بعدها کم‌کم مکان خاصی به نام مکتب‌خانه و بعد مدرسه به آن‌ها اختصاص یافت. در نظام سنتی الزام و اجباری برای تحصیل وجود نداشته و شرایط سنی در آن ملاک نبوده است؛ هرکسی در هر سن و سالی که میل و علاقه به تحصیل می‌داشت، مشغول تحصیل می‌شد. در نظام سنتی هزینه تحصیلی محصلان و استاد به عهده

خانواده‌های فرزندان بوده، خانواده‌ها از ملا و افراد باسواد محلی به‌عنوان معلم برای آموزش فرزندان‌شان بهره می‌برده‌اند.

## ۲-۴- نظام تعلیمی مدرن

مدرن‌بودن یک نظام تعلیمی در چیست؟ برخی نظام تعلیمی مدرن را این‌چنین تعریف نموده است: منظور آموزش و پرورشی است رسمی که با مدیریت دولتی یا مؤسسه‌ها و مراکز خصوصی با مجوز دولت در مکان‌های خاصی به نام مکاتب ابتدایی، متوسطه و مانند آن اجرا می‌شود. این نوع آموزش دارای سیستم تعلیمی مدرن با اهدافی از پیش تعیین شده، نصاب خاص تعلیمی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، ساختار اداری نظام‌مند و به‌طور کلی هرچه در یک نظام آموزشی لازم است، دارد و توسط کادر متخصص آموزش داده می‌شود. در نهایت، دولت از فارغ‌التحصیلان این مدارس رسمی به‌صورت استخدام یا قرارداد در جهت پیش‌برد امور کشور استفاده می‌کند (کامگار، ۱۳۸۷: ۱۵).

به نظر می‌رسد مراد از نظام تعلیمی مدرن در این تعریف، نظام کلاسیک و دولتی است که خاستگاه آن غرب است و در دو سده‌ی اخیر در کشورهای اسلامی از جمله در افغانستان گسترش یافته است و شامل نظام تعلیمی دینی (حوزه علمیه) نمی‌شود. باری، قبل از ارایه‌ی یک تعریف جامع از نظام تعلیمی مدرن، لازم است ویژگی‌های یک نظام تعلیمی مدرن ذکر شوند: یک: نظام مدرن دارای ساختار نظام‌مند است که در آن سلسله‌مراتبی از مدیریت نظام جود دارد (وزیر/رئیس، معاون، مدیران و...).

دو: دارای برنامه‌ی متمرکز جامع است که از مرکز به نهادهای وابسته هدایت و اجرا می‌شود.

سه: اهداف آن در دو بخش کوتاه‌مدت و درازمدت از قبل تعیین شده است. چهار: زمان‌مند است؛ در هر مرحله‌ی از تحصیل (ابتدایی، متوسطه، عالی و...) دارای محدوده‌ی زمانی مشخص است.

پنج: در هر مرحله از مراحل تحصیل، دارای نصاب تعلیمی و یا محتوای درسی خاص است.

شش: پذیرش ابتدایی و ارتقا به مرحله یا مراحل بالاتر دارای شرایط و ضوابط خاصی است مانند موفقیت در آزمون ورودی و ارزیابی تعیین سطح و....

هفت: نیازهای جامعه و منطقه در آن لحاظ شده است.

هشت: دارای نیروی تخصصی آموزشی و اداری است.

نه: از روش‌ها و فناوری‌های جدید آموزشی بهره می‌گیرد.

با توجه به این ویژگی‌ها، نظام تعلیمی مدرن، نظامی است متمرکز و دارای ساختار نظام‌مند که در صدد است با استفاده از نیروهای متخصص و کارآمد و بهره‌گیری از روش‌ها و فناوری روز آموزشی، افراد متخصص و مورد نیاز جامعه را تربیت کند و به اهدافی از قبل تعیین شده نایل شود.

## ۲-۵- تعریف مختار از نظام تعلیمی سنتی و مدرن

با توجه به مطالبی که ذکر شد، نظام تعلیمی سنتی و مدرن عبارت‌اند از: مجموعه‌ای از اجزا و عناصر پیوسته و درهم‌تنیده (مبانی، اهداف، اصول، عوامل و موانع، مراحل، روش‌ها و ساحت‌ها) که با یکدیگر تعامل دارند و قرار است با به‌کارگیری نیروهای متخصص، روش‌ها و فناوری بروز آموزشی، فرایند تربیت را از وضع موجود (سنتی) به وضع مطلوب (مدرن) هدایت کرده، تغییرات مطلوبی را در رفتار یادگیرندگان ایجاد نماید و به اهدافی از قبل تعیین شده نایل آیند. این تعریف هم نظام تعلیمی کلاسیک و دولتی را شامل می‌شود و هم نظام تعلیمی دینی و حوزوی را.

## ۳- مرور اجمالی بر پیشینه‌ی نظام تعلیمی در افغانستان

تاریخ تعلیم و تربیت در افغانستان با تاریخ استقلال این کشور گره‌خورده است. تاریخ جدید افغانستان با حکومت احمدشاه ابدالی در سال ۱۱۲۶ش برابر با ۱۷۴۷م، آغاز می‌گردد. بر اساس برخی منابع تاریخی او با پایه‌گذاری

افغانستان، مدارس بزرگی را در هرات و قندهار تأسیس نمود که مشهورترین آن‌ها مدرسه جامع کهن قندهار بود (تاریخ صنف دوازده، ۱۳۹۸: ۱۰). در دوره‌ی احمدشاه و پسرش تیمورشاه آثار رشد فرهنگی در کشور مشاهده می‌گردید. اما بعد از تیمور که فرزندانش به حکومت رسیدند و هم‌چنین در دوره‌ی دوست محمد خان، برای رشد علمی کشور کاری صورت نگرفت. (کامگار، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۱؛ دانش، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

### ۳-۱- بنیان نظام تعلیمی نیمه‌مدرن در دروان امیر شیرعلی خان

بر اساس منابع تاریخی قبل از امیر شیرعلی خان، نظام تعلیمی در افغانستان یک نظام سنتی بود. او اولین کسی است که نظام تعلیمی نیمه‌مدرن را در افغانستان پایه‌ریزی نمود. شیرعلی به مدت ده سال (۱۲۴۶-۱۲۵۶) حکومت را در دست داشت و در پنج سال اخیر حکومت خود بنیاد مکاتب عسکری و ملکی را در کابل گذاشت و در زمینه‌ی تعلیم و تربیت حرکت جدیدی را آغاز نمود (غبار، ۱۳۶۸، ۱: ۶۰۴). شیرعلی خان تاحدودی در حدّ زمانه‌ی خودش شخص روشنفکر و متجدّد بود و می‌توان گفت رویکرد جدید تعلیمی را پیش گرفته بود. مثلاً تعلیماتی که قبلاً در مساجد و منازل صورت می‌گرفت، با تأسیس مکاتب، در این مراکز جدید صورت می‌گرفت و تعلیم و تربیت مدرن‌تری تحقق یافت (نصاب تعلیمی در افغانستان، تاریخ صنف دوازدهم، ۴۶-۴۵). او خود بر امور تحصیلی شاگردان رسیدگی می‌کرد؛ در امتحانات نظارت داشت و شاگردان موفق را مورد تشویق قرار می‌داد (کامگار، ۱۳۹۰: ۲۰؛ دانش، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

دوره‌ی ۲۱ ساله‌ی حکومت عبدالرحمان (۱۲۵۸-۱۲۷۹) که سرکوب و کشتار مردم به‌ویژه شیعیان و هزاره‌ها در آن به‌طور گسترده اتفاق افتاد، با جمود فکری، علمی و استبداد گذشت. عبدالرحمان در این مدت نه تنها مدرسه‌ای جدیدی تأسیس نکرد، بلکه به مکاتب قدیمی نیز توجه ننمود (فرهنگ، ۱۳۸۰، ۱: ۴۳۴؛ غبار، ۱۳۶۸، ۱: ۶۵۹).

بعد از عبدالرحمان، فرزندش حبیب الله خان به مدت هجده سال (۱۲۷۹-۱۲۹۷ش) در افغانستان حکومت نمود. او تا آن زمان باسوادترین پادشاه افغانستان بود و علاقه‌ی زیاد به پیشرفت علمی کشور داشت (فرهنگ، ۱۳۸۰، ۲: ۴۸۹). اولین مکتب به شیوه‌ی امروزی در زمان او در سال ۱۲۸۲ش، در کابل تأسیس گردید. در همین سال بود که اولین شورای معارف در کابل تأسیس شد. اولین وظیفه این شورا بررسی مواد درسی، وضع مالی، حفظ نظم و مسائل اداری مکتب‌ها بود (پوپل: [www.afghan.german.net](http://www.afghan.german.net)). او در سال ۱۲۸۲ش مکتب حبیبیه؛ در سال ۱۲۸۷ش مکتب حریبه و در سال ۱۲۹۱ش دارالمعلمین کابل را تأسیس نمود. در سال ۱۲۹۶ش برای نخستین بار مکتب طبی افتتاح شد که در آن طب جدید تدریس می‌شد (کامگار، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۳). مهم‌ترین کاری که در این دوره عملی شد، گذاشتن بنیان معارف و فرهنگ جدید در افغانستان بود؛ به اطفالی که در مساجد آموزش می‌دیدند، امر شد که تعلیم آن‌ها طبق پروگرام (برنامه) رسمی معارف، زیر نظر مأمور مکاتب رسمی به عمل آید. این معارف کوچک در پایتخت دارای بودجه و تشکیلات بود و زیر نظر و ریاست سردار عنایت الله خان معین السلطنه قرار داشت که او آمر و ناهی معارف بود (غبار، ۱۳۶۸، ج ۱: ۷۰۲).

با آغاز حکومت امان الله خان (۱۲۹۷-۱۳۰۷ش) مکتب‌ها در کابل و ولایات توسعه پیدا کرد. از مهم‌ترین گام‌هایی که او در این راه برداشت، تأسیس وزارت معارف در افغانستان بود. در همین زمان اولین قانون اساسی افغانستان به تصویب رسید و تعلیم و تربیت برای همه‌ی کودکان و نوجوانان افغانستان اجباری گردید. او تعلیم و تربیت و مطبوعات را که منحصر به کابل بود به تمام ولایات افغانستان گسترش داد؛ برای نخستین بار وزارت معارف را در سال ۱۲۹۹ش تأسیس نمود؛ برای آن وزیر تعیین نمود و طبق ماده‌ی ۶۸ قانون اساسی تحصیل دوره‌ی ابتدایی بر همه اجباری گردید (کامگار، ۱۳۸۷: ۲۶-۳۰؛ غبار، ۱۳۶۸، ج ۱: ۷۹۳). در همین سال‌ها، انجمنی برای تألیف و

ترجمه‌ی کتاب‌های درسی و بررسی وضعیت مکتب‌ها و آموزگاران در کابل تأسیس گردید (پوپل، همان). از سال ۱۳۰۸ ش تحصیلات به مکاتب ابتدائیه، رشدیه، اعدادیه و تعلیمات عالیّه به پوهنتون ارتقا پیدا کرد (رحمتی، ۱۳۶۴: ۲۷۹). شماری از دانش آموزان فارغ التحصیل به کشورهای ترکیه، فرانسه و آلمان اعزام شدند (پوپل، همان).

بعد از امان‌الله خان در دوره‌ی حبیب‌الله کلکانی - شورش گریبان‌گرد و بی‌خبر از آموزش - همه‌ی مکاتب مسدود بودند. در دوره‌ی نادرخان (۱۳۰۸ - ۱۳۱۲) دوباره مکاتب ابتدایی در سراسر کشور احیا شد و طبق ماده ۲۰ قانون اساسی، تعلیمات ابتدایی اجباری گردید. در دوره‌ی ظاهرشاه (۱۳۱۲ - ۱۳۵۲ ش) مکاتب رونق بیشتری پیدا کرد؛ نواقص تعلیم و تربیت رفع گردید و تعداد ۴۳ تا مکتب جدید در سراسر افغانستان (۱۶ تا در کابل و بقیه در ولایات) راه‌اندازی شد. با روی کار آمدن داودخان (۱۳۵۲ - ۱۳۵۷ ش) و تغییر حکومت سلطنت به جمهوریت، وضع مکاتب ابتدایی در دهات افغانستان نیز رشد نمود (پوپل، همان). در مدت چهارده سال حکومت کمونیستی (۱۳۵۷ - ۱۳۷۱ ش) که نور محمد ترکی، حفیظ‌الله امین، ببرک کارمل و نجیب‌الله به ترتیب بر افغانستان حکومت کردند، برای بهبود و ارتقای سطح سواد در جامعه و گسترش معارف مخصوصاً در دهات تلاش‌های زیاد کردند (روا، ۱۳۶۹: ۱۳۱).

با توجه به آنچه بیان شد، روشن گردید که نظام مدرن تعلیمی در افغانستان، توسط شیرعلی خان آغاز و توسط حبیب‌الله خان توسعه یافت. البته این توسعه در محدوده‌ی پایتخت و کابل بود؛ لذا سراسری و همگانی نبود. اما اولین بار در دوره‌ی حکومت امان‌الله خان اجباری و سراسری گردید، برای آن وزیر تعیین کرد و بودجه اختصاص یافت. در دوره‌های بعد، در زمان نادرخان و ظاهر شاه و بعد از آن، این نظام سراسری ادامه یافت. نکته‌ای شایان ذکر این است که از دوران عبدالرحمان تا دوره‌ی حکومت کمونیستی ورود هزاره‌ها

به‌طور گسترده در مراکز آموزشی و تحصیلات نیمه‌عالی و عالی ممنوع بود؛ همان‌گونه که حضور آن‌ها را در مراکز دولتی و مناصب اداری ممنوع بود. این امر به‌نوبه‌ی خود نیاز به تحقیق گسترده و جداگانه دارد، ولی تذکر به آن برای فهم پاره‌ی از تاریخ تعلیمی کشور ضروری است.

#### ۴- نظام تعلیمی سنتی و مدرن در ارزگان خاص

درباره‌ی تاریخچه‌ی نظام تعلیمی در ارزگان خاص، یک اثر مدون و قابل‌اعتماد وجود ندارد، زیرا با قتل عام شیعیان ارزگان توسط عبدالرحمان، نه تنها تمام آثار فکری و فرهنگی مردم نابود شد و از بین رفت؛ بلکه هرچه در آن نمادی از تشیع بود از بین برده شد. دولت‌آبادی می‌گوید: بین سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۱۹ق، که عبدالرحمان بر قدرت تکیه زده بود، تمامی مراکز علمی و فرهنگی تشیع افغانستان را محو و نابود کرد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۳: ۱۱۳).

بعد از سرکوب مردم هزاره توسط عبدالرحمان، او نماد تشیع را در افغانستان از بین برد و به دستگیری، زندانی و قتل عالمان دینی، کربلایی‌ها و زوارهای هزاره فرمان داد. مساجد و حسینیه‌های شیعه بسته شد، به مولوی‌ها مأموریت دادند که در مساجد شیعه مردم را جمع و عقاید حنفی را به آنان یاد دهند. بعد از عبدالرحمان فرزند او حبیب‌الله خان نیز از فراگیری علم و دانش و اجرای مراسم مذهبی شیعیان کمافی‌السابق جلوگیری کرد (لعلی، ۱۳۷۲: ۷).

بنابراین، دشمنی که از مردم هزاره و شیعه زخم و ضربت دیده بود، حالا حاکم و مسلط بر منطقه شده است و نهایت تلاش خود را می‌کند تا آثار و نماد فرهنگی-تاریخی شیعیان و هزاره‌ها در این منطقه باقی نماند و همه را نابود می‌کند. ازین‌رو، وضع فرهنگی و از جمله تاریخ تعلیم و تربیت ارزگان خاص معلوم نیست که چگونه بوده است و متأسفانه در طول تاریخ نیز در این زمینه فعالیت‌های جدی صورت نگرفته است، تا آثار فرهنگی و هنری را که احیاناً به‌جا مانده است جمع‌آوری شود و به‌صورت یک مجموعه‌ی مدون عرضه گردد. این نوشتار در صدد است تا نظام تعلیمی سنتی و مدرن در

ارزگان خاص را در دو بخش مورد بررسی قرار دهد:  
یک: نظام تعلیمی سنتی و مدرن در مکاتب و مدارس دولتی  
دو: نظام تعلیمی سنتی و مدرن در مدارس دینی (حوزه‌ی علمیه)

#### ۴-۱- نظام تعلیمی در مکاتب دولتی

در تاریخچه‌ی نظام تعلیمی افغانستان بیان شد که در سال ۱۲۹۹ش وزارت معارف تأسیس و طبق ماده‌ی ۶۸ قانون اساسی، تحصیل دوره‌ی ابتدایی در تمام افغانستان اجباری گردید و مکاتب دولتی در سراسر افغانستان راه‌اندازی شد. دولت آبادی در مورد نظام سراسری تعلیمات در افغانستان می‌گوید: تا اواخر حکومت امان‌الله خان (۱۳۰۷ش) در سراسر افغانستان بیشتر از ۳۲۲ باب مدرسه جدید ایجاد شد (دولت آبادی، ۱۳۸۲: ۴۷۲). با توجه به اجباری شدن تحصیل و راه‌اندازی مکاتب در سراسر ولایات افغانستان و از آن‌جا که ارزگان خاص خود نیز یکی از ولایات تحت حکومت و فرمان دولت مرکزی بوده است، قطعاً بعد از دستور حکومت مبنی بر تحصیل اجباری دوره‌ی ابتدایی، تعلیم و تربیت رسمی در ارزگان خاص نیز آغاز شده است. از طرفی، معمولاً از زمان تصویب قانون اجباری شدن تعلیمات ابتدایی، برنامه‌ریزی، تهیه و تأمین امکانات مورد نیاز مانند تدوین، چاپ و توزیع کتاب‌های آموزشی مورد نیاز، ساختن مکتب، استخدام معلمان و... ابلاغ و اجرایی سراسری آن در تمام ولایات، چند سال طول کشید. از این رو، می‌توان گفت که آغاز نظام تعلیمی مدرن در ارزگان خاص، مانند بقیه ولایات حداکثر به دو و یا سه سال اول دهه ۱۳۰۰ش برمی‌گردد.

اگرچه آغاز فعالیت مکاتب دولتی در ولایت ارزگان به اوایل دهه ۱۳۰۰ش برمی‌گردد، اما فعالیت مشهود این مکاتب در مرکز ارزگان خاص و قریه‌های اطراف، از اوایل ۱۳۳۰ش شروع شده است که ابتدا در مرکز و بعدها به روستاها و قریه‌های اطراف گسترش یافته است. معلم عبدالحسین یوسفی که خود از اولین گروه فارغ التحصیلان این مکاتب در ارزگان خاص است

می‌گوید: در سال ۱۳۳۰ شمسی، مکتب دولتی ابتدایی در مرکز ارزش‌گان منطقه‌ی کهنه‌بازار شروع به فعالیت کرد و محدوده فعالیت این مکتب تا سال ۱۳۳۹ش فقط تا کلاس شش ابتدایی بود که در آن تدریس می‌شد. از سال ۱۳۳۹ش مکتب متوسطه نیز فعال شد و تا سال ۱۳۴۱ش علاوه بر دروس ابتدایی، دروس متوسطه نیز تدریس می‌شد. از سال ۱۳۴۱ش به بعد مکتب لیسسه به نام لیسسه شاه‌زمان در منطقه سیدان ارزش‌گان فعالیت خود را آغاز می‌کند و با فعالیت لیسسه در ارزش‌گان مکاتب دولتی رونق می‌گیرد (یوسفی، ۱۴۰۰). اما در قریه‌جات اطراف شروع مکاتب دولتی تاریخ متفاوت دارد، در برخی از قریه‌جات زودتر و در برخی دیگر دیرتر شروع به فعالیت نموده است که بعداً بیان خواهد شد.

#### ۴-۱-۱- مکتب دخترانه در ارزش‌گان

آغاز فعالیت مکتب دخترانه در ارزش‌گان به سال ۱۳۳۹ش برمی‌گردد. خانم صادقی که خود از اولین گروه از محصلان این مکتب و بعد از فارغ التحصیلی جزء معلمان آن‌جا بوده است، درباره‌ی مکتب دخترانه در ارزش‌گان خاص، می‌گوید: مکاتب ابتدایی از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۳۹ فقط پسرانه بود و تنها پسران در آن مشغول به تحصیل بودند؛ اما از سال ۱۳۳۹ مکتب دخترانه هم دایر گردید که تا انقلاب (۱۳۵۷) و مدتی بعد از آن فعال بود. با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی منطقه در آن زمان، ابتدا خانواده‌های زیادی با فرستادن دختران‌شان به مکتب مخالفت می‌کردند، اما با توجه به اجباری بودن تحصیل، عده‌ای ناگزیر شدند دختران‌شان را به مکتب بفرستند. از این‌رو، در ابتدای تأسیس مکتب دخترانه، تعداد محصلان دختر اندک بودند و از ۳۰ نفر تجاوز نمی‌کردند. در ابتدا تدریس دختران را چهار معلم زن به عهده داشتند که سه نفر آن‌ها از همسران مأمورین دولتی و یک نفر هم از مردم محلی ارزش‌گان بودند. از این چهار معلم زن دو نفر شیعه و دو نفر دیگر از اهل سنت بودند. اما پس از گذشت چهار سال (۱۳۴۲ش) و فراهم شدن شرایط

اجتماعی، تعداد محصلان دختر به حدود ۹۰ نفر می‌رسید. با افزایش محصلان دختر، سه معلم مرد نیز به معلمان زن اضافه شدند و در نتیجه تعداد معلمان مرد و زن در مکتب دخترانه به ۷ هفت نفر رسیدند. مضامین درسی مکتب دخترانه همان مضامین درسی پسرانه بود؛ تنها درس هنر در دروس دختران اضافه و مخصوص دختران بود. کلاس‌ها در مکتب دخترانه از صبح شروع می‌شد و تا ظهر ادامه داشت (صادقی، ۱۴۰۰).

#### ۴-۱-۲- تعداد معلمان و محصلان در مکاتب دولتی

در مکتب ابتدایی، از کلاس اول تا ششم حدود ۹۰ محصل مشغول به تحصیل بودند که ۶ معلم امر تدریس را به عهده داشتند. در مکتب متوسطه (صنف هفتم، هشتم، و نهم) تعداد ۱۸۰ محصل و ۹ معلم وجود داشتند. در مکتب لیسه، از کلاس دهم تا دوازدهم، حدود ۱۲ معلم مشغول به تدریس و تعداد ۶۰ محصل مشغول به تحصیل بودند (یوسفی، ۱۴۰۰).

#### ۴-۱-۳- برنامه و مواد درسی مکاتب دولتی

با توجه به کمبود معلمان در هر دوره، کلاس‌ها معمولاً در دو شیفت قبل از ظهر و بعد از ظهر برگزار می‌شد. تعدادی از محصلان قبل از ظهر و تعدادی هم بعد از ظهر به مکتب می‌رفتند. مضامین و دروسی که در این مکاتب تدریس و ارائه می‌شد، به قرار ذیل است:

دوره ابتدایی: تاریخ، جغرافیا، فارسی، پشتو، دینیات، ریاضی، هنر (مخصوص دختران)، هندسه، قرآن.

دوره متوسطه و لیسه: تاریخ، جغرافیا، فارسی، پشتو، طبیعیات، بیولوژی، کیمیا (شیمی)، فیزیک، هندسه، دینیات، قرآن، ریاضی، زبان انگلیسی، عربی، ورزش (یوسفی، ۱۴۰۰).

#### ۴-۱-۴- روش تدریس

روش تدریس در این مکاتب، روش معلم محور و مبتنی بر حفظیات بوده است. معلم معمولاً مطالب را از روی متن کتاب می‌خواند و توضیح می‌داد، و

در برخی از مضامین مانند ریاضیات از تباشیر (گج) و تخته سیاه برای توضیح بیشتر استفاده می‌کرد. محصلان نیز سعی می‌کردند که مطالب درس را حفظ کنند و از حفظ ارائه کنند (یوسفی، ۱۴۰۰).

#### ۴-۱-۵- نحوه ارزیابی و امتحان

در پایان هر دوره، مطالب خوانده‌شده به دو صورت کتبی و شفاهی توسط معلمان امتحان گرفته می‌شد و محصل بعد از موفقیت در امتحان و ارزیابی به کلاس بالاتر ارتقا پیدا می‌کرد (یوسفی، همان).

#### ۴-۱-۶- تعداد مکاتب دولتی پسرانه و دخترانه در ارزش‌گان خاص

در این که چه تعداد مکاتب دولتی- از زمان اجباری شدن تعلیم و تربیت در سراسر ولایات افغانستان- در ارزش‌گان خاص بوده، نگارنده به سندی مکتوب دست نیافته است. تنها دولت آبادی می‌گوید: در سال ۱۳۴۹ش در کل ولایت ارزش‌گان ۱۰۸ مکتب وجود داشته که در آن ۱۳۷۷۲ نفر متعلم و ۲۹۳ معلم به درس و تدریس مشغول بودند. در همان سال از جمع ۹۰۱۰۰ نفر طفل بین ۷ تا ۱۲ سال فقط ۱۵ درصدشان شامل مکتب بودند. تا سال ۱۳۵۰ش در این ولایت فقط ۲۳۴ نفر از طبقه اناث در ظاهر به مکتب می‌رفته و بقیه پسر بوده‌اند (دولت آبادی، (۱۳۷۱)، ۱۲). در مناطق شیعه‌نشین ارزش‌گان خاص در دهه‌ی سی، تنها یک مکتب ابتدایی پسرانه تا کلاس ششم بوده است، اما در دهه‌ی چهل تعداد این مکاتب در مرکز ارزش‌گان خاص و قریه‌های اطراف به ۱۲ مکتب می‌رسد که عبارت بودند از:

۱. مکتب ابتدایی پسرانه مرکز؛
۲. مکتب ابتدایی دخترانه مرکز؛
۳. مکتب متوسطه مرکز؛
۴. مکتب لیسه مرکز؛
۵. مکتب ابتدایی در آب‌پران؛
۶. مکتب ابتدایی در قلعه‌تک؛

۷. مکتب ابتدایی در بیروز؛

۸. مکتب ابتدایی در حسینی؛

۹. مکتب ابتدایی در سیابغل؛

۱۰. مکتب ابتدایی در باغچار؛

۱۱. مکتب ابتدایی در کندلان؛

۱۲. مکتب ابتدایی در سیرو (شریفی، ۱۴۰۰).

در این جا به طور اختصار به تاریخ فعالیت برخی از مکاتب در قریه‌های اطراف اُرزگان، اشاره می‌شود:

در سال ۱۳۴۳ ش یک مکتب ابتدایی دولتی تا صنف (کلاس) ششم، در باغچار فعالیت خود را آغاز نمود. این مکتب توسط مرحوم سید ملا رجب درخواست و کارهای اداری آن توسط میرزا محمدایوب که در اداره‌ی دولتی اُرزگان مشغول به کار بوده انجام می‌شود. بعد از فعال شدن مکتب در باغچار به مدت سه سال کلاس‌ها در خانه‌ی مرحوم سید رجب و گاهی با مساعد بودن هوا در فضای آزاد مانند زیر درخت برگزار می‌شد. تنها معلم این کلاس‌ها فرزند ایشان سید عبدالله بوده است. بعد از سه سال یک ساختمان جدیدی برای این مکتب، در منطقه کوه‌جوی توسط مردم باغچار ساخته و به آن جا منتقل می‌گردد. در این مکتب حدود ۴۰ الی ۵۰ نفر از کلاس اول تا ششم مشغول به تحصیل بودند. تعداد معلمان آن سه نفر بوده‌اند، به اسم‌های معلم دادالله، معلم لطیف و.. که همگی از مرکز می‌آمدند و شبانه در همان مکتب ساکن بودند. فعالیت این مکتب تا سال ۱۳۵۸ ش ادامه داشت؛ اما با فراگیری انقلاب مردم افغانستان این مکتب نیز تعطیل می‌شود (محسنی، ۱۴۰۰).

در منطقه‌ی حسینی نیز یک مکتب ابتدایی تا صنف ششم در سال ۱۳۴۸ ش فعال گردید. تعداد محصلان هر کلاس در این مکتب حدود ۳۰ نفر بوده که در دو نوبت صبح و عصر مشغول به تحصیل بوده‌اند. اکثر محصلان در مکتب حسینی از مردم هزاره و تعداد ۷ تا ۱۰ نفر از پشتون‌ها نیز در هر کلاس شرکت

می کردند. اولین فارغ التحصیلان این مکتب در سال ۵۴ است؛ از این سال تا سال ۵۸ معمولاً سالانه ۳۰ الی ۴۰ نفر فارغ التحصیل داشته است. اما مکتب حسینی در سال ۵۸ به لیسه ارتقا یافت. در مناطق دیگر مانند سیابغل و کندلان مکاتب به نام مکتب دهاتی که در آن فقط تا کلاس سوم ابتدایی تدریس می شد فعال بودند (خلیلی، ۱۴۰۰). مکاتب دولتی بعد از انقلاب در سال ۵۷ و ۵۸، تعطیل می شوند، معلمان دولتی یا دستگیر و یا فرار می کنند، ساختمان مکاتب در اکثر مناطق توسط مردم تخریب می گردد.

#### ۴-۱-۷- مکاتب کلاسیک بعد از انقلاب

بعد از انقلاب تعدادی از مکاتب کلاسیک توسط مردم و با کمک برخی از احزاب جهادی در منطقه ارزش‌گان فعالیت خود را آغاز می کند. در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۶۶ ش در بازار کهنه و سپس در سیدان و بعد در ششپر مکاتب ابتدایی تا کلاس ششم دایر می گردد و فرزندان زیادی در آن مشغول به تحصیل می شوند. این مکاتب تا سال ۱۳۶۸ ادامه می یابند و در سال ۱۳۶۹ بر اثر جنگ‌های داخلی تعطیل و از بین می روند. در مناطق اطراف نیز مکاتب کلاسیک مشغول به فعالیت بوده که از آن می توان به مکتبی در سیابغل و حسینی در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ اشاره کرد (خلیلی، ۱۴۰۰). با روی کار آمدن حکومت کمرزی، مکاتب دولتی در ارزش‌گان رونق بیشتری پیدا کرده و به صورت رسمی فعالیت‌های خود را آغاز می کنند که به برخی از این مکاتب اشاره می شود:

۱. لیسه پسرانه و دخترانه در جوی نو ششپر؛
۲. مکتب پسرانه و دخترانه تا سطح لیسه در حسینی؛
۳. مکتب پسرانه و دخترانه تا سطح لیسه در سیابغل؛
۴. مکتب ابتدایی در سیوک؛
۵. مکتب ابتدایی در اوله و خواجه‌روشنایی (خوجه روشنی)؛
۶. مکتب ابتدایی در کندلان؛

۷. مکتب پسرانه و دخترانه تا سطح لیسه در پالان؛

۸. مکتب ابتدایی در سیرو (خلیلی: ۱۴۰۰).

این‌ها مکاتبی بودند که در مناطق شیعه‌نشین اُرزگان مشغول به فعالیت بوده است؛ اما از تعداد مکاتب در مناطق سنی‌نشین اُرزگان خاص، نگارنده اطلاع در دست ندارد.

#### ۴-۱-۸- اهمیت و نقش مکاتب دولتی

مکاتب کلاسیک و دولتی از اهمیت و نقش فراوان در جامعه برخوردار است که به‌اختصار در این‌جا بدان می‌پردازیم:

جامعه نیاز به افراد متخصص و صاحب‌نظر در رشته‌های علوم انسانی، پزشکی و غیره دارد و از طرفی با مدرکی‌شدن کارها، اشتغال به تحصیل در مراکز علمی و دانشگاهی، استخدام در ادارات دولتی و خصوصی نیازمند ارائه مدرک معتبر تحصیلی است. مکاتب کلاسیک مقدمه و سرآغاز این راه است که از این طریق اشتغال به تحصیل در آن و گذراندن مراحل تحصیلی و اخذ مدرک معتبر رسیدن به این امور ممکن است. با فراهم شدن شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه، افراد زیادی از مردم محروم هزاره و از جمله فرزندان اُرزگان، با سپری کردن این مسیر توانسته‌اند به‌مراتب بالای علمی نایل شوند و در مراکز دانشگاهی و ادارات دولتی راه یابند و مصدر خدمت برای مردم و جامعه خود باشند.

#### ۴-۱-۹- نقاط قوت و ضعف مکاتب دولتی در اُرزگان

با بیان اهمیت و نقش مکاتب دولتی، نقاط قوت مکاتب در اُرزگان نیز معلوم می‌شود. علاوه بر آن، مکاتب دولتی فضای جدیدی آموزشی و آشنایی با مضامین و مباحث جدیدی مانند ریاضیات، فیزیک، شیمی، زبان انگلیسی و... را برای افراد فراهم می‌کند. اما نقاط ضعف آن بر اساس مصاحبه‌ی نگارنده با برخی افرادی که در این مکاتب درس خوانده‌اند، عبارت است از: نبود معلمان کافی برای تدریس، تخصص و تسلط‌نداشتن معلمان بر برخی

مضامین درسی، نبود مکان و فضای مناسب آموزشی، روش تدریس نامناسب، ضعف محتوای درسی، تنبیه‌های شدید بدنی محصلان توسط معلمان و موارد دیگر که بیان و تفصیل آن‌ها از حوصله این نوشتار خارج است، از نقاط ضعف مکاتب دولتی در ارزش‌گان بوده است.

#### ۴-۲- نظام تعلیمی در مکاتب دینی

نظام تعلیمات دینی از دیرباز در ارزش‌گان وجود داشته است. این نوع از تعلیمات سنتی که به صورت ساده، بدون تشریفات و با کمترین هزینه و با ابزار و وسایل آموزشی اولیه برگزار می‌شد، پایگاه بنیادین و اساسی برای تعلیم و تربیت و نخستین شیوه‌ی سوادآموزی در حد خواندن و نوشتن و یادگیری احکام و معارف دینی بوده است. مردمان از هر قشر و طایفه‌ای فرزندان خود را به منظور باسوادشدن، یادگیری خواندن و نوشتن، آگاهی از مسایل اعتقادی و احکام دینی در نزد فرد یا افراد باسواد محل می‌فرستادند، تا از او خواندن و نوشتن مسایل اعتقادی و دینی خود را یاد بگیرند. آقای وثوقی درباره‌ی این تعلیمات سنتی می‌گوید: این نوع آموزش توسط افراد باسواد مانند ملا و مولوی محل و... ابتدا در خانه‌ها، مساجد و مکان‌های مذهبی انجام می‌گرفت و کم‌کم مکان خاصی به نام مکتب‌خانه و بعد مدرسه به امر آموزش اختصاص یافتند و خانواده‌ها فرزندان خود را نزد ملای مکتب و بعد در مدرسه می‌فرستادند و بر اساس توافق که با ملای مکتب داشتند در قبال تدریس او به فرزندان، حق‌الزحمه به ایشان پرداخت می‌کردند (وثوقی، ۱۳۹۷).

#### ۴-۲-۱- شکل‌گیری مکاتب دینی در ارزش‌گان

بعد از قتل عام شیعیان ارزش‌گان توسط عبدالرحمان، مراکز فرهنگی شیعیان از بین رفتند، عالمان و ملاهای زیادی یا به شهادت رسیدند و یا از منطقه آواره گردیدند؛ اما تعدادی از ملاهای گمنام که در مناطق متعددی از ارزش‌گان باقی مانده بودند، خدمات اجتماعی از جمله تعلیم و تربیت را شروع کردند. مردم مسلمان منطقه، بر اساس اعتقادات و باورهای دینی که داشتند، برای تحصیل و

یادگیری احکام و معارف دینی، با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی در هر قریه و محل به تناسب جمعیت‌شان، ملای قریه و محل را طبق قرارداد انتخاب می‌کردند. این روحانی محل بر اساس قرارداد، حداقل در زمستان‌ها به فرزندان تعلیم و آموزش می‌دادند (وثوقی، ۱۳۹۷). این کار در مناطقی که مکتب‌خانه‌ای وجود نداشته در خانه‌های افراد و یا خانه ملا و روحانی محل و یا مسجد انجام می‌شد که نمونه‌ای از آن را می‌توان در مناطق باغچار، حسینی و سیرو نام برد. در منطقه‌ی حسینی به خاطر نبود مکتب‌خانه، امر تعلیم و تربیت فرزندان در خانه‌های افراد توسط ملا براتعلی مشهور به آخوند شیرداغ، ملا قاسم علی، ملا کلب حسین، کربلایی مقدس، ملا عبدالعزیز، ملا محمدخان فاضلی، شیخ محمدعیسی جوادی و سایر ملایان منطقه انجام می‌شد. ملا براتعلی که در دهه ۱۳۱۰ به مدت ده سال آخوند و ملای سیار در منطقه‌ای حسینی بوده در فصل پاییز، زمستان و بهار در خانه‌ها به صورت نوبتی، به تعلیم قرآن، سی‌پاره و پنج‌کتاب به فرزندان می‌پرداخته است (خلیلی: ۱۴۰۰). در منطقه سیرو، با آمدن مرحوم محقق در سال ۴۲ تعلیم و تربیت فرزندان آغاز می‌شود، مردم منطقه ایشان را به عنوان ملای محل انتخاب و فرزندان خود را برای یادگیری خواندن و نوشتن و آشناسدن با معارف دینی نزد او می‌فرستند؛ مرحوم محقق نیز از منزل خود و مسجد به عنوان محل تحصیل استفاده می‌کند (احسانی، ۱۴۰۰) در باغچار نیز مکتب‌خانه‌ای وجود نداشته، خانواده‌ها در هر منطقه فرزندان خود را نزد ملا و یا افراد باسواد می‌فرستاده‌اند تا خواندن و نوشتن را از او یاد بگیرد.

#### ۴-۲-۲- مواد درسی مکاتب دینی

در مکاتب دینی در کنار یادگیری تعلیم قرآن کریم و احکام، کتاب‌های مانند سی‌پاره، پنج‌کتاب، حافظ، بوستان و گلستان سعدی، در ادبیات عرب کتاب‌های مانند صرف بهایی، صرف میر، زنجانی، شمه، هدایه، صمدیه، مراح الارواح، سیوطی، شرح جامی و... تدریس می‌شد (وثوقی، ۱۳۹۷).

## ۴-۲-۳- پایه گذاری اولین مدرسه دینی اُرزگان در باغچار

تا قبل از دهه ی ۱۳۳۰ش، نظام تعلیمی در اُرزگان، غیرمتمرکز بوده و در خانه ها، مساجد و یا مکتب خانه توسط افراد باسواد انجام می شد؛ اما برای اولین بار در اوایل دهه ۱۳۳۰، حوزه ی علمیه در منطقه باغچار، توسط ملا خدانظر آخوند باغچار تأسیس می شود. ایشان در باره ی تأسیس این حوزه علمیه و برنامه های درسی آن می گوید: بعد از گذراندن یک دوره ی هشت ساله ی طلبگی، حدود سال های ۳۱ یا ۳۲ش به زادگاهم باغچار برگشتم. حضورم در بین مردم با اقبال عمومی مواجه شد و فعالیت های دینی، فرهنگی و آموزشی منطقه به عهده این جانب واگذار شد. در ابتدای امر، کار آموزش و پرورش طلاب در منزل شخصی خودم انجام می گرفت (آخوند: ۱۳۹۸).

با شهرت آخوند، شاگردان زیادی از منطقه ی باغچار و مناطق اطراف مانند: شیر، هوتی، ورکه، لرزو و... به منظور تحصیل علوم دینی به خانه ی ایشان مراجعه می کنند. با استقبال زیاد طلاب و پاسخ گوی نبودن منزل مرحوم آخوند برای تدریس، ناگزیر می شود که با کمک مؤمنین منطقه، مکان دیگری برای طلاب در کنار منزل خود بنا نهاد. مرحوم آخوند در باره ی تأسیس این مدرسه می گوید: در سال های ۴۲ و ۴۳ منزل مسکونی ام را تغییر داده و در کنار منزل جدید با همکاری خیرین منطقه و برخی از طلاب مانند شهید محمد مظفری، اولین مدرسه علمیه باغچار را که در واقع نخستین مدرسه علمیه در سطح ولسوالی اُرزگان هم بود، متناسب با شرایط آن زمان تأسیس نمودم. این مدرسه مرکب از یک سالن و یک آشپزخانه و جای نسبتاً مناسبی برای سکونت طلاب و محصلین دینی بود که از جاهای دور می آمدند. بعدها در دهه ی شصت همین مدرسه توسط فرزندم آقای افضل و خیرین منطقه توسعه یافت و تبدیل به مدرسه بزرگ و جدید باغچار گردید (آخوند، ۱۳۹۸).

بنابراین، اولین مدرسه ی دینی (حوزه ی علمیه) در سطح ولسوالی اُرزگان،

در باغچار در سال‌های ۱۳۴۲ یا ۱۳۴۳ توسط مرحوم ملا نظر آخوند، در منطقه بوکسه در کنار منزل و خانه او تأسیس می‌گردد. با تأسیس این مدرسه، طلاب زیادی از باغچار و مناطق دیگر به منظور فراگیری علوم دینی به آنجا مراجعه می‌کنند و حوزه‌ی علمیه‌ی باغچار رونق بیشتری می‌گیرد و سالیان زیاد مرکز و مرجع پرورش طلاب علوم دینی، پاسخ‌گویی به مراجعات دینی و اعتقادی مردم قرار می‌گیرد و شخصیت‌های بزرگ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را پرورش می‌دهد که امروزه هر کدام از چهره‌های مطرح علمی و اجتماعی منطقه هستند.

#### ۴-۲-۳-۱- مواد درسی

دروسی که در این مدرسه ارائه می‌شد، از صرف و نحو گرفته تا لمعه و شرایع را شامل می‌شده است. مرحوم آخوند در باره‌ی دروسی که خود در طول این مدت تدریس کرده است می‌گوید: کتاب‌ها و دروسی را که در این دوره شخصاً به تدریس آن‌ها اشتغال داشتم، در ادبیات عرب: صرف و نحو، صمدیه، شرح ملاجامی، سیوطی، در منطق: حاشیه و در فقه و اصول: معالم الدین، منهاج الصالحین، عروۃ الوثقی، شرایع الاسلام محقق حلی و کتاب شرح لمعه شهید ثانی بودند (آخوند، ۱۳۹۸).

#### ۴-۲-۳-۲- اسکان و مخارج طلاب

طلاب مشغول به تحصیل در مدرسه آخوند، دو دسته بودند یک دسته طلابی که از راه‌های دور می‌آمدند، مانند ورکه، شیر، هوتی و...، این افراد در منزل خود آخوند و خانواده‌های اطراف مدرسه ساکن می‌شدند و با آنان زندگی می‌کردند. دسته‌ی دیگر، افرادی که از خود باغچار بودند، این افراد معمولاً در تابستان‌ها، روزانه به مدرسه می‌آمدند و شب برمی‌گشتند؛ اما در زمستان به خاطر سرما و برف زیاد، امکان رفت و آمد برای آنان میسر نبود، آن‌ها نیز در خانه‌های اطراف مدرسه ساکن می‌شدند و با آنان زندگی می‌کردند. مخارج طلاب به عهده‌ی خانواده‌های خودشان بود. آنانی که از مناطق دور

می آمدند مقدار آرد، روغن، قدید (گوشت خشک) با خود می آوردند و به یکی از خانه های اطراف تحویل می دادند و خود نیز با آنان زندگی می کردند. خانواده های میزبان نیز مقدار آرد، روغن و قدید طلبه را به همراه مواد غذایی خود می پختند و باهم به مصرف می رساندند.

ساختمان مدرسه آخوند تا سال ۱۳۶۹ش که مردم در منطقه ساکن بودند پابرجا و معروف به مدرسه بود. در سال ۱۳۶۹ش در اثر جنگ های داخلی، مردم باغچار آواره شدند و خانه های مردم، از جمله این مکان (مدرسه آخوند) در اثر برف و باران تخریب گردید.

#### ۴-۲-۴- نقش نظام سنتی در پی ریزی شخصیت افراد

نظام تعلیمی سنتی مکاتب و مدارس دینی، علی رغم مشکلات و نواقص آن، نقش بی بدیلی در پی ریزی شخصیت دینی، حفظ و تحکیم باورهای اعتقادی افراد داشته است. همین نظام سنتی و مکتب خانه ای مهد پرورش عالمان برجسته، مسئولیت پذیر، متدین و خدمت گزار مانند علامه محمدافضل ارزگانی، شیخ رمضان علی فقهی باغچاری، ملا نظر آخوند باغچاری، سید ملا رجب باغچاری، محقق سیرو، مقدس کربلایی، شیخ محمدعلی تقدسی، هاشم کربلایی (آخوند کربلایی) و... بوده است؛ عالمانی که هر کدام چراغ هدایت و منشأ خیرات و برکات برای شیعیان مظلوم ارزگان بوده اند. زیربنای علم و معرفت، شکل گیری اعتقادات و باورهای دینی افراد، در همین نظام سنتی (خانه، مکتب خانه، مسجد و...) شکل می گیرد. الفبای خواندن و نوشتن، از آن جا آغاز می شود، شخصیت دینی و اعتقادی افراد پرورش می یابد. همین نظام سنتی سرآغاز گرایش به آموزش و تحصیلات دینی بوده و در حفظ و گسترش فرهنگ دینی توده مردم و فرزندان آنان نقش بسیار مهمی را ایفا کرده است. در این جا به برخی از ویژگی های این نظام کهن اشاره می شود:

یک: این نظام سنتی اگرچه ساده بود؛ ولی از محتوای غنی تر دینی برخوردار بود.

دو: روان‌خوانی و روخوانی قرآن را خوب فرامی‌گرفت.

سه: بنیان اعتقادی و دینی شاگردان محکم‌تر و در برابر شبهات مقاوم‌تر و آمادگی پاسخگویی به آن بهتر بود.

چهار: در نظام سنتی، هرکسی مسائل شرعی و مبتلابه خود و جامعه را خوب فرامی‌گرفت که این امر در نظام مدرن کم‌رنگ است.

پنج: ادبیات عرب را بهتر و عمیق‌تر آموزش می‌دید و یاد می‌گرفت.

شش: تأثیر رفتار و منش استاد بر شاگرد؛ امروزه یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی، روش الگودهی و الگوگیری است. این روش، یک روش ساده، کم‌هزینه و بسیار مؤثر است. از آن‌جا که در نظام سنتی در طول روز شاگردان با استاد در ارتباط هستند، اعمال و رفتار او را مشاهده می‌کنند، رفتار و سلوک اخلاقی استاد با مراجعین بهترین الگو برای تربیت اخلاقی و اجتماعی شاگردان محسوب می‌شود.

این‌ها برخی از ویژگی‌های نظام سنتی مکاتب دینی (حوزه) است. اگرچه نظام سنتی آثار، فواید و ویژگی‌های فراوان دارد؛ اما از نقاط ضعف آن نیز نباید چشم‌پوشی نمود. مهم‌ترین نقاط ضعف این نظام دو چیز است: یکی ضعف روش آموزش و دیگری ایستابودن و منقادبودن شاگرد در برابر استاد است که باعث فقدان خلاقیت می‌شود.

#### ۴-۲-۵- تغییر نظام سنتی مدارس دینی به نظام متمرکز و جدید

با افزایش نیازهای علمی و اجتماعی جامعه، عده‌ای از طلاب علوم دینی مشغول در مدارس سنتی و مکتب‌خانه‌ها، به‌منظور تحصیل در سطوح بالاتر عازم حوزه‌های علمیه‌ی نجف، قم و مشهد شدند و با کسب درجات عالی و برگشت به منطقه، نظام تعلیمات دینی جدید در آرزوگان، آغاز گردید. آغاز نظام جدید تعلیمات دینی در آرزوگان به اوایل دهه ۱۳۵۰ برمی‌گردد. در این دهه حوزه‌های علمیه‌ی جدید تأسیس می‌گردند و نظام تعلیمی نظم‌بهتری پیدا می‌کند. اساتید تازه‌نفس با اندوخته‌هایی از علم و دانش و با روش

تدریس بهتر و منابع جدیدتر، مشغول تعلیم و تربیت طلاب می‌گردند. در این مقطع، وضعیت تحصیلی بهبود می‌یابد و طلاب از نظر جا و مکان از امکانات بهتری برخوردار می‌شوند. به برخی از این تحولات آموزشی اشاره می‌شود.

#### ۴-۲-۱- متون درسی، اسکان و مخارج طلاب

با تأسیس حوزه‌های علمیه‌ی جدید، متون درسی و روش تدریس نسبتاً با دوره‌ی سنتی فرق می‌کند. در این مدارس دینی در ادبیات عرب کتاب‌های مانند شرح امثله، صرف میر، تصریف، عوامل ملا محسن، هدایه و سیوطی؛ در منطق حاشیه ملا عبدالله؛ در اصول معالم الدین و در فقه شرح لمعه‌ی شهید ثانی و برخی از کتاب‌های جنبی دیگر تدریس می‌شد.

طلابی که از مناطق دور می‌آمدند در حجره‌های این مدارس به‌صورت شبانه‌روزی ساکن می‌شدند و مخارج آن بیشتر به‌عهده‌ی خانواده‌ها و مقداری توسط وجوهات شرعی که مؤمنین پرداخت می‌کردند تأمین می‌شد و در سال‌های اخیر مقدار شهریه از طرف مراجع تقلید در ایران، به حوزه‌های علمیه ولایات از جمله ارزش‌گان ارسال و بخشی از مخارج مدرسه و طلاب از این طریق فراهم می‌شد.

#### ۴-۲-۶- حوزه‌های علمیه تازه‌تأسیس در ارزش‌گان

بعد از انقلاب و با مساعد شدن شرایط سیاسی و اجتماعی منطقه تا سال ۱۳۹۲ شمسی، باهمت و تلاش برخی از طلاب فارغ‌التحصیل از نجف، قم و مشهد و با کمک و همکاری خیرین و مردم متدین منطقه تعداد از مدارس دینی (حوزه علمیه) در مرکز ولسوالی ارزش‌گان و قریه‌های اطراف تأسیس گردید که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف- مدرسه‌ی علمیه‌ی جعفریه ارزش‌گان: اولین مدرسه علمیه جدید که در منطقه شیعه‌نشین ولسوالی ارزش‌گان تأسیس می‌گردد، مدرسه‌ی علمیه‌ی جعفریه در کهنه‌بازار است. این مدرسه در سال ۱۳۵۲ ش توسط حجت‌الاسلام سید اسحاق نقوی با کمک برخی از علما و خیرین منطقه در کهنه‌بازار تأسیس

می‌گردد. مدیریت این مدرسه ابتدا در دست آقای سید اسحاق نقوی و با آمدن آقای محمد فیاض از نجف، مدیریت مدرسه به ایشان واگذار می‌شود. مدرسه‌ی جعفریه بعد از چند سال در ساختمان جدیدی در منطقه سیدان منتقل می‌گردد و تا سال ۱۳۶۹ ش فعال بوده است. این مدرسه منشأ خیرات و برکات زیاد در منطقه بوده، طلاب زیادی در آن پرورش یافته و مرجع و مرکز پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی افراد بوده است. علمای بزرگ مانند مرحوم فقهی باغچار، آخوند باغچار، نقوی، فیاض، شهید مظفری، شیخ محمدعلی تقدسی و... در آن تدریس کرده‌اند.

ب- مدرسه علمیه باقر العلوم حسینی: این مدرسه در سال ۱۳۷۱ ش توسط شیخ محمدعلی تقدسی، شیخ نیک محمد خلیلی و حاجی محمدعلی مرادی (محصلی) و با کمک بزرگان و خیرین منطقه بر زمین مرحوم حاجی محمد عیسی تأسیس و بنا گردید. در این مدرسه محمدعلی تقدسی، عبدالحمید رحیمی، اسدالله احمدی، قربانعلی اخلاصی، عبدالوهاب کریمی، قنبرعلی حسینی، گلستان زکی و محمدحسن منتظری و سیدابوطالب هاشمی تدریس کرده‌اند. در سال ۱۳۹۵ ش محمدحسن منتظری و سایر بزرگان و خیرین حسینی برای این مدرسه، ساختمان جدید در بازار شاه‌مردان حسینی ساختند. این مدرسه تاکنون (۱۴۰۱ ش) فعال است (خلیلی، حسینی و مرادی، ۱۴۰۱).

ج- مدرسه‌ی علمیه‌ی امام جعفر صادق (ع) سیاهگل: این مدرسه در دهه‌ی ۱۳۴۰ ش توسط حاجی آخوند و آخوند کربلای تأسیس و در سال ۱۳۶۹ تجدید بنا می‌گردد (توسلی، ۱۳۸۷، ۱۳۲).

د- مدرسه ولی‌عصر (ع) پالان: این مدرسه در سال ۱۳۷۳ ش در منطقه پالان بر زمینی که فرزندان مرحوم براتعلی وقف کردند بنا گردید (فاضلی و عظیمی، ۱۴۰۰).

ه- مدرسه علمیه باغچار: این مدرسه که سابقه‌ی آن به مدرسه مرحوم آخوند باغچار برمی‌گردد در سال ۱۳۶۷ توسط حجت‌الاسلام افضل‌ی باغچاری و با

کمک خیرین منطقه تأسیس گردید.

و- مدرسه امیرالمؤمنین(ع) سیرو: این مدرسه در سال ۱۳۸۱ش توسط حجت الاسلام حسینی با کمک خیرین منطقه تأسیس شده است. در واقع، این مدرسه ادامه حوزه درسی مرحوم محقق سیرو است که از سال ۴۲ و ۴۳ در خانه ایشان و مسجد برقرار بوده و سالیان زیادی مرکز پرورش طلاب علوم دینی بوده است (احسانی و رفیعی، ۱۴۰۰).

ز- مدرسه جامعه الثقلین کندلان: این مدرسه در سال ۱۳۹۲ش توسط حجت الاسلام قربانعلی اخلاصی با همکاری برخی طلاب و خیرین منطقه تأسیس گردید و تاکنون مشغول فعالیت است (اخلاصی و زکی، ۱۴۰۱).

## ۵- جمع بندی

در طول تاریخ افغانستان، نظام تعلیمی در این کشور، دارای فراز و نشیب بوده است. آنچه از داده های تاریخی برمی آید تا اواخر قرن نوزده میلادی، افغانستان از نظر تعلیمی دارای یک نظام مشخص آموزشی نبوده است؛ بلکه این کار به صورت سنتی در مراکز فرهنگی و آموزشی که میراث صدها سال بود- مانند مسجد، حسینیه مکتب خانه، مدرسه علمیه و امثال آنها- انجام می شد. بنای نظام تعلیمی مدرن در دوران حکومت امیر شیرعلی گذاشته می شود و در دوره ی امیر حبیب الله خان، توسعه پیدا می کند. در زمان امان الله خان طبق ماده ی ۶۸ قانون اساسی و بار دوم در دوره ی نادرخان طبق ماده ی ۲۰ قانون اساسی، تعلیم و تربیت در تمام ولایات اجباری می گردد. در ارزگان خاص، نظام تعلیمی در مکاتب دینی و دولتی سرگذشت متفاوت دارد. مکاتب دولتی مانند بقیه ی مناطق افغانستان، طبق فرمان حکومت مرکزی از دوره امان الله خان و بعد در زمان نادرخان شروع شده است. آغاز فعالیت مشهود این مکاتب در مرکز ارزگان از سال ۱۳۳۰ شروع شده که ابتدا به صورت ابتدایی و بعد به متوسطه و لیسه ارتقا پیدا می کند؛ اما اوج فعالیت های این مکاتب از دهه چهل به بعد است. از اوایل دهه چهل تا دوره ی

انقلاب کمونیستی در مرکز اُرزگان و قریه‌های اطراف مکاتب دولتی از سطح ابتدایی تا لیسه دایر و مشغول به فعالیت می‌شود. با شروع انقلاب مکاتب دولتی تعطیل می‌گردند و در دوره‌ی مجاهدین در برخی مناطق تعدادی مکاتب به صورت غیررسمی فعال می‌شوند. در دوره‌ی حکومت کمرزی، فعالیت مکاتب دولتی دوباره آغاز و رونق بیشتری پیدا می‌کند.

اما تعلیمات دینی در این ولایت تا قبل از دهه‌ی سی، یک نظام سنتی بوده که در خانه‌ها، مکتب‌خانه‌ها، مساجد و حسینیه برگزار می‌شده است. در اوایل دهه چهل، اولین مدرسه دینی (حوزه‌ی علمیه) در سطح ولایت اُرزگان در منطقه باغچار توسط ملا خدانظر آخوند بنا و تأسیس می‌گردد. با فراهم شدن شرایط و برگشت تعدادی از علمای منطقه از حوزه‌های علمیه نجف، قم و مشهد، شرایط بهتر شده و حوزه‌های جدیدی در مرکز اُرزگان و قریه‌های اطراف تأسیس می‌گردد و طلاب زیادی را پرورش داده و تحویل جامعه می‌دهد.

### کتاب نامه

۱. آخوند، ملا خدا نظر (۱۳۹۸) *زندگی نامه*، این زندگی نامه از زبان خود آن مرحوم، توسط فرزندش دکتر محمد ظاهر نصیری تهیه و تنظیم شده است.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۷)، *لسان العرب*، بیروت، انتشارات دارالصدر.
۳. احسانی، عبدالکریم (۱۴۰۰)، *مصاحبه‌ی نگارنده با حجت الله احسانی سیرو*.
۴. اخلاصی، قربانعلی (۱۴۰۱)، *مصاحبه کتبی*.
۵. پوپل، کریم، *سیر معارف در افغانستان*.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۶)، *الصحاح*، بیروت، انتشارات دارالعلم للملایین.
۷. حسینی، قنبرعلی (۱۴۰۱)، *مصاحبه کتبی*.
۸. خلیلی، نیک محمد (۱۴۰۰)، *مصاحبه تلفنی نگارنده با ایشان و دست نوشته های که در اختیار نگارنده قرار داده است*.
۹. دانش، محمدقدیر (۱۳۹۷)، *نحوه مواجه حکومت ها با علم جدید در افغانستان از زمان شیرعلی خان تا پایان حکومت نجیب الله*، مجله اندیشه معاصر، س ۳، ش ۱۱، بهار ۱۳۹۷ ش.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳) *لغت نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. دولت آبادی، بصیر احمد (۱۳۷۱)، *شناسنامه افغانستان*، قم، چاپخانه و لیتوگرافی شهید قم.
۱۲. رحمتی، پوهاند محب الله (۱۳۶۴)، *جغرافیای بشری افغانستان*، کابل، انتشارات پوهنتون کابل.
۱۳. رفیعی، علی داد (۱۴۰۰)، *مصاحبه کتبی*.
۱۴. رواء، الیور (۱۳۶۹)، *افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی*، ترجمه‌ی ابوالحسن سرو مقدم، مشهد استان قدس رضوی، چ اول.
۱۵. زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۱)، *تجزیه و تحلیل سیستم ها*، تهران، دانشگاه پیام نور.
۱۶. زکی، گلستان (۱۴۰۱)، *مصاحبه کتبی*.

۱۷. سبحانی نژاد، مهدی، کاظم منافی شریف آبادی (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش* (مبانی، رویکردها، سیر جامع نظریه‌ها و حوزه‌ها)، تهران، انتشارات یسپرون. چ اول.
۱۸. صادقی، رقیه (۱۴۰۰)، *مصاحبه با همسر معلم عبدالحسین شریفی‌ارزگانی*، مصاحبه‌کننده: دکتر صادقی‌ارزگانی.
۱۹. عظیمی، خانعلی (۱۴۰۱)، *مصاحبه کتبی*.
۲۰. عمید، حسن (۱۳۸۴) *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ دهم.
۲۱. غبار، میرغلام محمد (۱۳۶۸)، *افغانستان در مسیر تاریخ*، تهران، مرکز نشر انقلاب، چ چهارم.
۲۲. غرجستانی، محمدعسی (۱۹۹۸)، *تاریخ هزاره و هزارستان*، کویت، ناشر شورای فرهنگی اسلامی افغانستان.
۲۳. فاضلی، محمدتقی (۱۴۰۰)، *مصاحبه کتبی*.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۵)، *کتاب‌العین*، قم، انتشارات نشر هجرت، چاپ دوم.
۲۵. فرهنگ، میرمحمدصدیق (۱۳۸۰)، *افغانستان در پنج قرن اخیر*، قم، دارالتفسیر، چاپ اول.
۲۶. فصلنامه علمی - تخصصی بنیاد اندیشه، سال سوم، شماره یازده، بهار ۱۳۹۷.
۲۷. کامگار، جمیل الرحمان (۱۳۸۷)، *تاریخ معارف افغانستان*، کابل، بنگاه انتشارات میوند.
۲۸. ل. تیمورخانوف (۱۳۷۲) *تاریخ ملی هزاره*، ترجمه عزیز طغیان، ایران، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول.
۲۹. لعلی، علی‌داد (۱۳۷۲)، *سیری در هزاره‌جات*، قم، صحافی احسانی، چ اول.
۳۰. محسنی (۱۴۰۰)، *مصاحبه‌ی تلفنی نگارنده با حجت‌الاسلام محسنی باغچار*.
۳۱. مرادی (محصلی)، محمدعلی (۱۴۰۱)، *مصاحبه تلفنی*.
۳۲. مشیری، مهشید (۱۳۷۴) *فرهنگ زبان فارسی*، تهران، انتشارات سروش. چاپ دوم.

۳۳. نصاب تعلیمی، تاریخ صنف دوازدهم (۱۳۹۸)، کابل، ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف.
۳۴. انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
۳۵. و واله، (۱۳۷۱) /نکشاف ولایات مرکزی هزاره جات، قم، صحافی هزاره، چاپخانه فروردین قم.
۳۶. وثوقی، محمد هاشم (۱۳۹۷) مصاحبه‌ی پیام یاسین، شماره ۵۰ و خود نگارنده با آیت الله وثوقی ارزگانی.
۳۷. یوسفی، معلم عبدالحسین (۱۴۰۰)، مصاحبه‌ی تلفنی نگارنده با معلم عبدالحسین ارزگانی.
۳۸. Longman Dictionary of Contemporary for Advanced Learners. Fifth edition 2010